

تأثیر نهادسازی بر نظم ژئوکالچر منطقه خاورمیانه

رضا رحمتی^{۱*}

حسن رحیمی روشن^۲

سیده کوثر جعفری^۳

چکیده

هدف: بسیاری از تحلیل‌ها پیرامون مسائل نهادی، به تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی اختصاص یافته و کمتر نقش مؤلفه‌های فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی مورد توجه نهادگرایان قرار گرفته است. با این حال امروزه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر روابط بین‌الملل دارند. پیاده‌روی اربعین نیز از این حیث پدیده‌ای قابل بررسی است. بر این اساس، تحلیل چرایی و چگونگی تأثیرگذاری عناصر نهادی در قوام یک نظم منطقه‌ای از اهمیت بسیاری برخوردار است.

روش‌شناسی پژوهش: در روش‌شناسی، جامعه آماری و شاخص‌های پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. این مقاله به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی میدانی است.

یافته‌ها: بر این اساس سؤالی که مطرح می‌شود این است که مؤلفه‌های نهادسازی راه‌پیمایی اربعین با تأثیر بر قوام نظم منطقه‌ای در چارچوب ژئوکالچر شیعه توانسته‌اند نقش مهمی را در ژئوکالچر شیعه بازی کنند.

نتیجه‌گیری: نهادسازی در سه سطح فراملی (با محوریت تکثر فرهنگی)، فراملی (با محوریت هم‌گرایی بین‌المللی) و ملی (با محوریت نقش حکومت) سبب قوام نظم ژئوکالچر شیعه در سطح منطقه‌ای شده است.

کلیدواژه‌ها: نهادسازی، راه‌پیمایی اربعین، ژئوکالچر، نظم منطقه‌ای، حکمرانی فراملی.

Email: r.rahmati@basu.ac.ir

۱- استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

Email: h.rahimiroushan@basu.ac.ir

۲- استادیار علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا همدان ایران

Email: sk.jafari74@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

مقدمه

در جهان سنت، بر ساخت اجتماعی بر کاریزما و فردمحوری استوار بوده است و سوژه‌ها برای تغییر در امر اجتماعی و سیاسی به‌طور سیستماتیک به فرد خاصی متمسک می‌شدند. اما پارادایم غالب در جهان جدید، تقسیم کار تخصصی در عرصه اجتماعی است. به این صورت که فرآیند تقسیم کار، اقتدار را از فرد به کنش‌گران بی‌شماری تقسیم می‌کند؛ به این طریق جهان جدید به جهان نهادمند تبدیل شده است (نمیدیان‌پور، ۲۰۱۹). جهانی که در آن اجتماعات مختلف قابلیت ایجاد نهاد دارند و نهادها نیز تعاملات انسانی را ساختارمند کرده‌اند.

در نهادگرایی نوین، طیف متنوعی از پدیده‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان در بستر مطالعات نهادی مورد بررسی قرار داد؛ چرا که تمامی پدیده‌ها بر تحولات انسانی و سیاست بین‌الملل تأثیرگذار هستند. از آنجا که در عصر کنونی تحریکات اجتماعی از مهم‌ترین اشکال رفتار جمعی محسوب می‌شوند و در آنها شمار کثیری از کنش‌گران برای هدف خاصی در آن به‌طور فعالانه شرکت می‌کنند (محمدی، ۱۹۸۹: ۱۷۲)، بنابراین نقش نهادساز آنها از اهمیت برخوردار است و از این حیث که بر سیاست بین‌الملل تأثیر می‌گذارند می‌توان آنها را در دامنه مطالعات نهادی مورد توجه قرار داد.

یکی از پدیده‌های عظیم اجتماعی در سال‌های اخیر راهپیمایی اربعین بوده است. به دلیل ظرفیتی که در این پدیده ایجاد شده هم کنش‌گران حاضر و هم شیوه‌های رفتاری موجود در این رخداد در مسیر تلاش برای تحقق کنش جمعی صورت‌بندی شده است. با این حال نقش پر رنگ متغیرهای نهادساز این پدیده فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از تحلیل‌ها پیرامون مسائل نهادی، به تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی اختصاص یافته و مسائل فرهنگی و خصوصاً متغیرهای حرکت اجتماعی کمتر مورد توجه نهادگرایان بوده است. با این حال امروزه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی بر روابط بین‌الملل تأثیر قابل توجهی گذاشته‌اند.

بر این اساس سؤالی که مطرح می‌شود این است که مؤلفه‌های نهادساز راهپیمایی اربعین چگونه بر قوام نظم منطقه‌ای در چارچوب ژئوکالچر شیعه نقش داشته است؟ پاسخ فرضیه پژوهش این است که نهادسازی در سه سطح فرومی (با محوریت تکثر فرهنگی)، فراملی (با محوریت هم‌گرایی بین‌المللی) و ملی (با محوریت نقش حکومت) سبب قوام نظم ژئوکالچر شیعه در سطح منطقه‌ای شده است. در روش‌شناسی، جامعه آماری و شاخص‌های پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. این مقاله به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی میدانی است.

برای بررسی فرضیه مذکور، ابتدا مفهوم نهاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس این مفهوم برای خارج شدن از حالت انتزاعی، در سه گویه فرومی، ملی و فراملی به‌طور جداگانه بررسی شده و در قسمت یافته‌ها، در هر بخش برای نیل به اثبات فرضیه مقاله، سؤالاتی که از نمونه آماری یعنی شرکت‌کنندگان

در راهپیمایی اربعین مطرح شده به همراه تحلیل‌های آماری و با استفاده از SPSS مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی و نظری

نهادها، عامل تعیین کننده تعاملات اجتماعی

در یک تعریف ساده و کلی، نهاد قاعده‌ای است که نهادینه شده باشد. در واقع نهادینه شدن فرآیندی است که از مجرای آن، این قواعد نهادینه شده، به گونه‌ای هنجار خاصی را رواج می‌دهند که کنش مطابق آنها مورد پذیرش قرار می‌گیرد و تخطی از آنها موجب محرومیت می‌شود. این قواعد طی فرآیند نهادینه شدن مشروعیت می‌یابند و بر سر آنها اجماع صورت می‌گیرد. بنابراین نهادها در کلیت خود مقولاتی اجتماعی‌اند که حاصل توافق آگاهانه یا ناآگاهانه جمعی از انسان‌ها هستند. قرار داشتن در مجموعه عناصر ساختاری جامعه و سیاست (ساختارهای رسمی مانند قانون، سازمان‌ها و یا غیر رسمی مانند شبکه‌های سازمانی و یا مجموعه‌ای از هنجارها)، ثبات و پایداری در زمان، تأثیرگذاری بر رفتار فردی از طریق محدود کردن رفتار کنش‌گران و در آخر احساس و ارزش‌های مشترک مابین اعضای نهاد از مؤلفه‌های تعیین کننده یک نهاد است (خداوردی، ۲۰۱۸: ۴۳).

نهادها مقولاتی عینی هستند. عینیت نهادها از تأثیرگذاری آنها بر رفتارهای کنش‌گرانی که در ارتباط با آنها هستند، مشخص می‌شود. به این معنا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نهادها، خاصیت محدود کنندگی و امکان‌سازی آنهاست. یعنی نهادها هم قابلیت اعمال محدودیت قابل لمس بر رفتار بازیگران را دارند و هم ظرفیت لازم را برای انجام کنش‌های انسانی فراهم می‌آورند (هاجسون^۱، ۲۰۱۰: ۵۰۴ به نقل از خداوردی، ۱۳۹۷: ۴۴). این ویژگی دوسویه در تعریف نورث^۲ هم آمده است: «نهادها قواعد بازی هستند یا به بیانی رسمی‌تر، محدودیت‌های ساخته شده به دست بشر هستند که تعاملات انسانی را شکل می‌دهند. در نتیجه آنها انگیزه‌های موجود در تعاملات انسانی (خواه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ...) را ساختارمند می‌کنند ... آنچه باید به لحاظ مفهومی به صورت مشخص متمایز شود، قواعد بازیگران است. هدف قواعد تعریف روشنی است که بازی بر اساس آنها انجام می‌شود» (نورث، ۱۹۹۰: ۳ به نقل از کاظمی، ۲۰۱۳: ۱۱). بر مبنای این تعریف، در معنای گسترده، نهادها مجموعه قواعدی هستند که رفتار سامان‌مند و پیش‌بینی‌پذیر را تضمین می‌کنند. به این معنا تقریباً هر چیزی را می‌توان جزء نهادها و موضوع مطالعه نهادی دانست. بر مبنای چنین تعریفی، طیف متنوعی از پدیده‌ها مانند ایدئولوژی، سیاست، هنجار، طبقه، سازمان‌های متنوع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... را می‌توان جزء نهادها و موضوع مطالعه نهادی تلقی کرد بر همین اساس، افرادی چون نورث به تحلیل تأثیر این نهادها بر کنش‌های اجتماعی پرداخته‌اند (کاظمی، ۲۰۱۳: ۱۰-۱۱).

1. Hodgson

2. North

نکته‌ی دیگر که در تعریف نورث مشهود است، این است که منشأ نهادها شامل قواعد رسمی (قانون اساسی، آیین‌نامه‌ها و قواعد غیر رسمی (ارزش‌های رفتاری، عرف) و خصوصیات اجرایی آنها می‌شود. وی از این طریق مفهوم نهاد و سازمان را از هم تفکیک می‌کند (حسینی‌زاده، ۲۰۱۲: ۸۴). بنابراین در تعریف نهاد دو حوزه تعریف باز و تعریف بسته می‌توان ذکر کرد:

در تعریف بسته، نهادها محدود به سازمان‌های عینی و دارای بروز عینی می‌باشند. در این حوزه، جوزف روسک و رولند وارن^۱ در تعریفی از نهاد بیان می‌کنند: «نهادها انگاره‌های مستقری برای رفع نیازمندی‌های متعدد انسانی هستند که از شیوه‌های قومی وقتی که تداوم و قبول عام پیدا می‌کنند، مفاهیم اجتماعی حاصل می‌کنند و دارای ساخت می‌شوند، برمی‌خیزند و رشد و نما می‌یابند» (روسک و وارن، ۱۹۹۰: ۱۴۶). تعریف باز نیز، گستره‌ای از هنجارها تا سازمان‌های حکومتی را در بر می‌گیرد. اکثر رویکردهای نهادگرایی جامعه‌شناختی نسبت به نهادها را می‌توان مصداق بارز نگاه باز به نهادها دانست چرا که آن را شامل «امور، رویه‌ها، قراردادهای، نقش‌ها، استراتژی‌ها، شکل‌های سازمانی، فن‌آوری‌ها، باورها، پارادایم‌ها، فرهنگ‌ها و ... می‌دانند» (مارش، اولسون به نقل از کاظمی، ۲۰۱۳: ۱۱). ماهیت نهاد عبارت است از مجموعه‌ای از عقاید و شیوه‌های رفتاری که اجتماع آن را بنا نهاده و در بیرون از فرد وجود دارند.

تعاریفی دیگر نزدیک به این تعریف وجود دارد از جمله نظر مالینفسکی که درباره نهاد اجتماعی بیان می‌کند: «اجزای واقعی فرهنگ که دارای حد قابل ملاحظه‌ای از دوام، عمومیت و استقلال هستند، نظام‌های متشکل فعالیت‌های انسانی می‌باشند و نهاد خوانده می‌شوند. هر نهاد در اطراف یک احتیاج اساسی تمرکز می‌یابد، دائماً اعضای یگ گروه را در یک وظیفه تصادفی متحد می‌سازد ... نهادها به‌طور ساده و مستقیم با کنش‌های خود بستگی متقابل ندارند، یعنی لزومی ندارد که یک احتیاج تنها در یک نهاد و یک نوع خاصی ارضاء شود لکن نهادها معمولاً دارای رشته مخصوصی از وظایف هستند و دارای ماهیت ترکیبی می‌باشند» (صانعی، ۱۹۷۵: ۱۷۴-۱۷۵). مالینفسکی در این تعریف، ماهیت نهاد را اجزایی از فرهنگ می‌داند که می‌شود آن را معادل «شیوه‌های عملی و فکری» که دورکیم مطرح کرده است قرار داد. شاخصه مهم نهاد عبارت است از دوام، عمومیت و استقلال که در تعریف دورکیم هم می‌توان معادل آنها را یافت.

تعریف دیگر را مندراس مطرح کرده است:

«مجموعه هنجارها و نقش‌هایی که قانونیت یا عدم قانونیت هر چیزی را در یک سازمان اجتماعی تعیین می‌کند. این مفهوم گاه در معنای وسیع به خود سازمان اجتماعی اطلاق می‌شود» (مندراس، ۱۹۷۵: ۳۳۵ به نقل از علی بابایی، ۱۹۹۹: ۱۱۴).

عناصر اصلی نهاد در تعریف مندراس عبارت است از: مجموعه ای از هنجارها و نقش‌ها به‌عنوان ماهیت نهادها. این نقش‌ها همان الگوها یا شیوه‌های رفتاری هستند که در تعریف دورکیم مطرح شده است.

بنابراین با توجه به مجموع تعاریف، از نهاد، این مفهوم را می‌توان مجموعه قواعدی دانست که در عین اینکه اجتماع آن را بنا نهاد، تعاملات انسانی را ساختارمند می‌کند. با این تعریف، طیف متنوعی از پدیده‌ها را می‌توان جز مطالعات نهادی تلقی کرد و همچنین طیف گسترده‌ای از هنجارها تا سازمان‌های حکومتی را به‌عنوان نهادهایی که بر کنش اجتماعی اثرگذار هستند، به شمار آورد.

بی‌توجهی به متغیرهای نهادی به معنای غفلت از وجه مهمی از عناصر شکل‌دهنده به فرآیندها، رفتارها و نتایج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در واقع نهادگرایی نوین، ضمن پذیرش ریشه‌های سنتی نهادگرایان کلاسیک، بر کل‌گرایی، نگاه تکاملی و رویکرد سیستمی و بهره‌مندی از سنت‌های رفتاری مثل نظریه انتخاب عقلانی و مطالعات کلاسیک، دامنه وسیع‌تری به تحلیل نهادی داده است. همزمان با احیای نهادگرایی که همزمان با بحران‌های اقتصادی دولت‌های غربی رخ داد، نارسایی تحلیل‌های رفتارگرایان، راه را برای تبیین‌های تاریخی نهادگرایانه گشود که بر نقش‌آفرینی نهادها به عنوان متغیر سطح میانه مؤثر بر رفتارها تأکید داشتند. به‌عنوان مثال پیتر کترنشتاین (۱۹۷۵) در تبیین تفاوت واکنش کشورهای مختلف به بحران مشترک اقتصادی بر متغیر نهادی و سطح میانه شبکه‌های سیاست‌گذاری (عناصر پیوند دهنده جامعه و دولت) تأکید کرد (کاظمی، ۲۰۱۳: ۶). دیدگاه وی، در حوزه نگرش سازه‌نگاری است که در آن نهادها، ساخته‌هایی فرهنگی‌اند که از قواعد، هنجارهای رسمی و غیر رسمی، باورها، نمادها، الگوها و اشکال مختلف تشکیل شده‌اند (حسینی‌زاده، ۲۰۱۲: ۱۰۰).

به‌صورت کلی نهادها با تعریف کردن چهار مقوله کنش‌گران مشروع، تعداد کنش‌گران، نظم و ترتیب کنش‌ها و میزان اطلاعاتی که کنش‌گران درباره نیت یکدیگر به‌دست می‌آورند، هم کنش‌گران حاضر و هم قواعد بازی آنها را در مسیر تلاش برای تحقق اهداف فردی و جمعی تعیین می‌بخشند. به این ترتیب بر اولویت‌ها و توان بازیگران تأثیر می‌گذارند. از طرفی نهادها، سبب شباهت می‌شوند، در واقع با تعریف رفتارهای مشروع و نامشروع از نظر جامعه سبب همگنی و تجانس کنش‌های کنش‌گران و پیش‌بینی پذیری آنها برای کنش‌گران دیگر می‌شود. بدین ترتیب نهادها می‌توانند از تعارضات بکاهند و معیارهایی برای رفتارهای فردی و جمعی به‌وجود بیاورند که امکان وفاق و وحدت جامعه را ایجاد کند.

بر این اساس و مطابق با مفهوم ارائه شده از نهاد به‌عنوان مجموعه قواعدی که تعاملات انسانی را ساختارمند می‌کند، و با توجه به اینکه طیف متنوعی از پدیده‌ها را می‌توان جزء مطالعات نهادی تلقی کرد، همچنین ویژگی‌های نهادها در رویکرد نهادگرایی نوین که مبتنی بر امکان‌ساز بودن، محدود کننده بودن، شباهت‌ساز بودن است، پدیده‌های هویتی و فرهنگی را نیز علاوه بر پدیده‌های اقتصادی و سیاسی می‌توان جزو نهادها محسوب کرد.

پدیده اجتماعی راهپیمایی اربعین نیز همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی، از کنش‌گرانی تشکیل شده که با بسیج اجتماعی و گردهمایی خود این پدیده را در ابعادی وسیع شکل بخشیده‌اند و از طرفی نیز شیوه‌های رفتاری حاکم بر این مراسم، تعاملات انسانی ساختارمند را در آن شکل داده است. از این رو می‌توان پدیده اربعین را جزء نهادها برشمرد و آن را در حوزه مطالعات نهادی بررسی کرد.

الگوی تحلیل: سه سطح نهادسازی

سطح تحلیل نهادی را به سبب اهمیت و تأثیر نقش گروه‌ها، می‌توان به سه سطح نهادسازی فروملی، نهادسازی ملی و نهادسازی فراملی تقسیم کرد.

نهادسازی فروملی

برای مدت‌های طولانی، دولت‌ها مهم‌ترین و تنها بازیگران سیاست بین‌الملل بودند چرا که واقع‌گرایی گفتمان غالب سیاست بین‌الملل بود و به باور واقع‌گرایان بازیگران اصلی و مهم در روابط بین‌الملل دولت‌ها بوده‌اند. به این ترتیب دولت از مشروعیت ویژه‌ای برخوردار بود و کارکرد بازیگران غیر دولتی تابعی از رفتار دولت‌ها پنداشته می‌شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم اصول اساسی نظام دولت محور دچار چالش جدی و دگرگونی ساختاری در روابط کشورهای جهان پدید آمد و امکان تحرک سایر بازیگران را در عرصه بین‌الملل پدید آورد.

امروزه دولت ملی تنها بازیگر بین‌المللی محسوب نمی‌شود، بلکه در سطح پایین‌تر گروه‌هایی بدون توجه به سیاست‌های حکومتی و با تمایلات و خواسته‌های مختلف حضور دارند که در سطح ملی تمایلات و خواسته‌های این گروه‌ها می‌تواند تحت‌الشعاع خواست اکثریت قرار بگیرد و محدود شود. سطح محلی نیز پس از سطح ملی قرار دارد که شامل حکومت‌های محلی می‌شود و این سطح نیز نمی‌تواند پاسخگوی خواسته‌های همه‌ی گروه‌های موجود در جامعه باشد و همانند سطح ملی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. بین این دو سطح، سطح دیگری از حکمرانی قرار می‌گیرد که با عنوان سطح فروملی شناخته می‌شود (سجادپور، ۲۰۱۲: ۸۲).

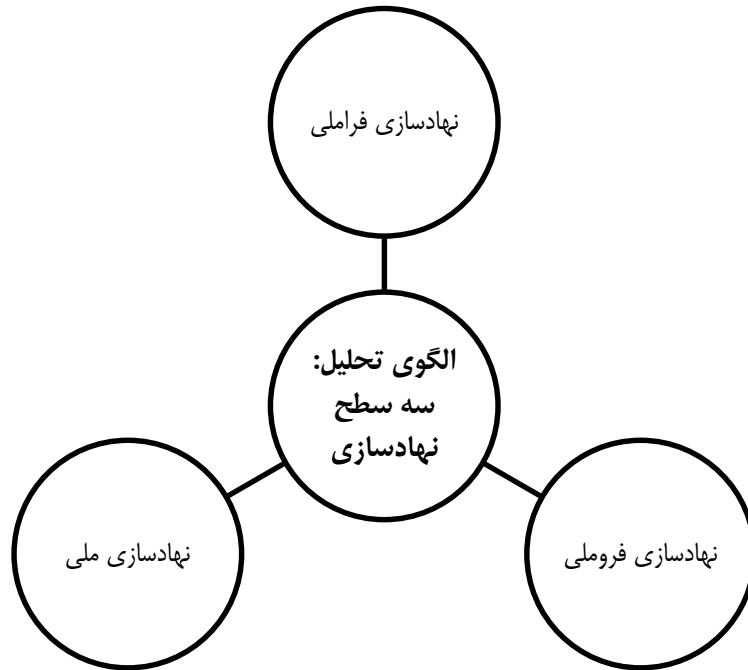
هویت‌های فروملی به‌عنوان هویت خرد محلی، می‌توانند مستقل از حکومت مرکزی، در عرصه بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند. مناطق درون کشوری، دولت‌های فدرال، استان‌ها و شهرها و قومیت‌ها، نمونه‌هایی از هویت‌های فروملی هستند که از طریق فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی مانند گشودن خانه‌های فرهنگ و تجارت در سایر کشورها با هدف ارتقاء منافع خود در روابط بین‌الملل به فعالیت می‌پردازند (دهشیری، ۲۰۱۳: ۳۵-۳۶). بنابراین بازیگران فروملی در سطح هویت‌های خرد جمعی، مرزهای سرزمینی را پشت سر گذاشته و با به رسمیت شناختن مرزهای فرهنگی، فرصت حضور در عرصه فرامرزی و اثرگذاری بر سیاست خارجی را کسب کرده‌اند.

سطح نهادسازی ملی

میهن دوستی و احساس تعلق نسبت به زادگاه و یا جایی که انسان در آن رشد می‌کند و شخصیتش شکل می‌گیرد، یک احساس طبیعی و میلی غریزی است. با این حال نگرش میهن دوستانه در مقابل نظریه هویت اجتماعی قرار دارد. گرایش ناسیونالیستی بر مبنای مقایسه بین گروهی یعنی مقایسه خودی با دیگران است اما املی مومندی دو مقایسه دیگر را مبنا قرار داده که به رویکرد میهن دوستانه مورد نظر این پژوهش کمک می‌کند. مومندی به جای مقایسه گروه ملی خودی با دیگر ملیت‌ها، مقایسه خودارجاعی - یعنی مقایسه با آنچه یک کشور در گذشته بوده است با آنچه که در آینده برای همان کشور صورت خواهد گرفت - و مقایسه استاندارد - مثل مقایسه با وضعیت سیاسی اجتماعی یک جامعه آرمانی که جامعه خواهان رسیدن به آن است - را مطرح کرده است. این دو مقایسه کاهش خصومت نسبت به دیگر ملت‌ها را موجب می‌شود که این امر باعث ایجاد اعتدال در احساسات دلبستگی ملی می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت احساسات میهن دوستانه و همبستگی مثبت درون گروه ملی، بدون احساس خصومت نسبت به دیگر ملیت‌ها، می‌تواند سبب هویت‌یابی ملی شود. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که در روند هویت‌یابی ملی همیشه نگرش مثبت به میهن و یا خصومت نسبت به دیگر ملیت‌ها به تنهایی وجود ندارد. بلکه در واقعیت همواره طیف گسترده‌ای از احساسات نسبت به برون‌گروه‌ها، از قبیل احساس مثبت اندیشی خفیف، احساس بی‌تفاوتی و یا حس تنفر وجود دارد. در روابط و تعاملات گروه‌های خودی و دیگری همواره باز تولید اتفاق می‌افتد و مرزهای درون گروهی می‌تواند با توجه به شرایط تغییر کند (هاشمیان فر و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۹۲). در چهارچوب همین نظریه است که فضای جغرافیایی معنا می‌یابد و به محصولی از ترکیب مجموعه‌ای از مناسبات و روابط که همواره در حال تغییر است تبدیل می‌شود.

نهادسازی فراملی‌گرایی

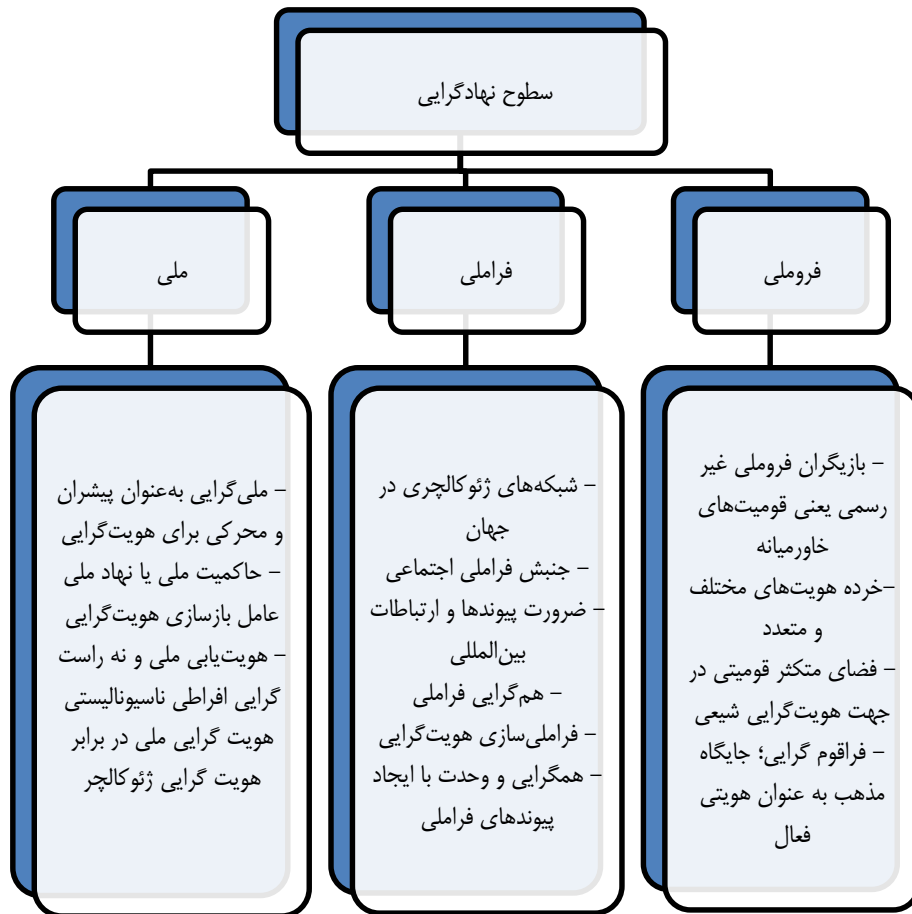
با رشد نظام سرمایه‌داری در دوران پس از جنگ جهانی دوم، اندک اندک جریان‌های فراملی پدید آمدند که تهدیدکننده هویت‌های ملی بودند. تقویت این جریان‌های فراملی توانایی گذشته دولت‌ها را در تداوم روایت هویت ملی، تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه هویت‌های جدید در عصر جهانی شدن در مرز میان جریان‌های فراملی و مقاومت‌های فراملی شکل می‌گیرند. هم‌زمان با تشدید فرآیند جهانی شدن منطقه خاورمیانه که جایگاه مهم استراتژیکی در جهان را داراست، از این حیث مستثنی نشد. بین‌المللی شدن خاورمیانه عوامل متعددی اعم از اقتصادی، اجتماعی، هویتی دارد که یکی از مهم‌ترین عوامل آن، «اسلام‌گرایی» در این منطقه بوده است (قهرمان پور، ۲۰۰۲: ۳۳۲).



نمودار ۱: الگوی تحلیل نهادسازی^۱

بر این اساس نهادسازی دارای ابعاد و ویژگی‌های بارزی خواهد بود که این ابعاد خود دارای مؤلفه‌ها و گویه‌های متعددی هستند. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد، قوم‌گرایی، ملی‌گرایی و تمدن‌گرایی، جهان‌گرایی و سایر شاخص‌ها و گویه‌ها بوده است.

۱. ترسیم شده به وسیله نویسندگان



نمودار ۲: شاخص های طبقه بندی و آزمون نمونه های پژوهش^۱

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ رویکرد، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها، از نوع پیمایش میدانی است. در این پژوهش تلاش می شود پیوند بین مباحث تئوریک با کاربرد عملی مباحث مربوط به نهادگرایی و سه سطح تحلیل نهادگرایی مورد توجه قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش کل جمعیت راهپیمایان اربعین از کشورهای مختلف را در بر می گیرد، که در این پژوهش طبق اطلاعات موجود از آخرین آمارهای منتشر شده در سال ۱۳۹۸، تقریباً (بر اساس آمار غیررسمی)، بیست و

۱. ترسیم شده به وسیله نویسندگان

یک میلیون نفر طی پنجم تا بیستم ماه صفر (چهارم تا نوزدهم اکتبر ۲۰۱۹) شرکت کردند که ۱۷ میلیون نفر آنها شهروندان عراقی از داخل و خارج این کشور یعنی حدود ۴۰ درصد ساکنان عراق یا حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعیان این کشور بودند و به این ترتیب بزرگترین و گسترده‌ترین و عظیم‌ترین تجمع بشری در تاریخ جهان و حال حاضر رقم خورد. در این مراسم، حدود ۵۰۰ هزار عراقی مقیم کشورهای خارج از حدود ۵۰ کشور شرکت کرده بودند. حدود چهار میلیون غیر عراقی از بیش از ۷۰ ملیت در پیاده‌روی اربعین شرکت کردند که بیش از سه میلیون نفر از آنها ایرانی، ۵۰۰ هزار نفر پاکستانی و ۵۰۰ هزار نفر از دیگر کشورهای جهان به‌ویژه هند، جمهوری آذربایجان، ترکیه، افغانستان، لبنان، کویت، بحرین، عربستان و دیگر کشورها بودند. از آنجا که به دلیل گستردگی این جامعه آماری مراجعه به تک تک آنها ممکن نبود، یک گروه نمونه آماری از آن مورد مطالعه قرار گرفت. پرسشنامه فقط میان شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین در مسیر نجف تا کربلا و مسیرهای منتهی به آن در دو کشور ایران و عراق در اربعین سال ۱۳۹۸ توزیع شده است و حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان، مشخص شده است. با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان در طول مسیر راهپیمایی در بازه زمانی پانزده روز منتهی به اربعین حسینی، که جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر را شامل می‌شود، تعداد نمونه برای پرسشنامه حاضران در مراسم، ۳۸۴ نفر محاسبه شد. از آنجا که جامعه هدف، از ملیت‌های گوناگون بودند، پرسشنامه در سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تنظیم شد. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر برای پرسشنامه کمی طراحی شده شامل سؤالات بسته روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است. برای اطمینان از روایی پرسشنامه در طرح سؤالات از طرق پرسشنامه معکوس از اساتید خبره مورد توجه قرار گرفت و سؤالات پرسشنامه در قالب سه شاخص اصلی که متغیرهای نهادگرایانه محسوب می‌شوند، طراحی شد و نظرات اصلاحی و فرجامی در پرسشنامه منظور گردید. به این ترتیب پرسشنامه دارای روایی دانسته شده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

ضریب آلفای کرونباخ در مورد پرسشنامه محاسبه و مقدار آن $0/689$ بدست آمد که این مقدار تقریباً برابر $0/7$ بوده است، لذا پرسشنامه مذکور از پایایی قابل قبولی برخوردار است. (برای ۲۰ پرسش)

تحلیل یافته‌ها

پدیده راهپیمایی اربعین، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در دهه‌های اخیر هم از نظر کمیت و هم قواعد و الگوهای رفتاری رشد قابل توجهی داشته است. آن‌چنان که می‌توان آن را در حوزه مطالعات نهادی، بررسی کرد و از آن با ذکر «نهاد اجتماعی اربعین» نام برد. از آنجا که نهادها طیف گسترده‌ای از هنجارها تا سازمان‌های حکومتی را دربرمی‌گیرند، نهاد اجتماعی اربعین نیز به‌عنوان یک متغیر مستقل، بر هر مؤلفه‌ی وابسته‌ای که در آن وجود داشته باشد اثرگذار است و وجهه عینی این اثرگذاری، در قالب سه سطح فروملی، ملی و فراملی قابل تحلیل است. به عبارتی حضور گروه‌های مختلف در ابعاد فروملی

همچون قومیت‌ها، فراملی همچون گروه‌های بین‌المللی و NGO‌ها، و ملی که شامل دولت‌ها می‌شود، نهاد اجتماعی اربعین را شکل داده است که در چارچوب آن تعاملات مشترک بر مبنای الگوهای خاص رفتاری ایجاد می‌شود (رحمتی و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۶-۱۲).

نهادسازی و نقش مؤلفه‌های فروملی

به منظور بررسی تأثیر پراکندگی گروه‌های قومی و زبانی بر جغرافیای فرهنگی شیعه، توجه به متغیرهای کمی شایان توجه خواهد بود. به خصوص در منطقه خاورمیانه، گروه‌های قومی بسیاری وجود دارند که در کشورهای مختلف پراکنده هستند. ساختار برخی کشورها در منطقه مانند عراق و افغانستان، ساختاری قومی و قبیله‌ای است و قبایل در سیاست‌های داخلی و خارجی نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کنند. گاه یک گروه قومی در جغرافیای سرزمینی دو یا چند کشور حضور دارد. مانند قوم کرد که در کشور ایران، عراق و ترکیه پراکنده شده است. در این صورت عملکرد فرهنگی و سیاسی گروه قومی پیوند تنگاتنگی با سیاست ملی و بین‌المللی کشورها خواهد داشت. رفتار این گروه‌های فروملی در سطح ملی، مانند دیگر گروه‌های قومی در جهان بستگی به نسبت مفاهمه صورت گرفته میان فرهنگ ملی و فرهنگ قومی هر یک دارد. اگر مناسبات بین گروهی، در میان این گروه‌های متعدد، مسالمت‌آمیز باشد، امکان انسجام در سطحی کلان‌تر میسر خواهد شد.

با توجه به تکثر گروه‌های قومی در بین شیعیان و حضور بخش قابل توجهی از آنان در مراسم پیاده‌روی اربعین، برای ارزیابی رفتار این قومیت‌های شیعی در قبال فرهنگ ملی و هویت شیعی داده‌های به دست آمده از پیمایش نشان می‌دهد که در خصوص «امکان هویت‌گرایی شیعی» در چارچوب فضای فروملی، ۱۱/۴٪ از نمونه آماری معتقدند که اولویت با متغیرهای تعریف هویت شیعی بسیار زیاد است، ۲۲٪ معتقدند که این اولویت زیاد است، ۳۰/۷٪ قائل به متوسط بودن این متغیر هستند، ۲۰/۱٪ معتقد به کم بودن و ۱۵/۸٪ معتقد به خیلی کم بودن این متغیر برای تعریف هویت خود یا گروه پیرامون خود هستند.

نتایج پیمایش نشان می‌دهد مناسبات عصر جهانی شدن بر بازیگران فروملی غیر رسمی یعنی قومیت‌های خاورمیانه تأثیر بسزایی داشته است. بازیگران فروملی که در قالب قومیت‌های مختلف در مراسم پیاده‌روی اربعین حضور گسترده‌ای دارند، نقش خود را برای تحركات بین‌المللی حائز اهمیت می‌دانند. آنها که با خرده هویت‌های مختلف و متعدد، بدون برخورد خصمانه حول یک محور مشترک جمع شده‌اند، هم نقش دولت‌ها و هم تکثر قومیتی را در این گردهمایی بزرگ، کمرنگ تلقی می‌کنند. در زمانه کنونی که شرایط نسبت به گذشته تغییر اساسی کرده و دنیا به سمت جهانی شدن و گسترش ارتباطات در حرکت است، گروه‌های قومی رابطه خود را با همدیگر بر اساس رقابت بنا می‌نهند و بیش از

آنکه هویت خود را با هویت‌های خرد بسنجد، نسبت خود را با هویت‌های فراملی ایجاد شده در نظر می‌گیرند. چون شرایط زمانی حاضر آنها را به این درک رسانده که جهانی شدن امری اجتناب ناپذیر است و اقتضات زمانی حال، رفتارها و تعصبات گذشته را بر نمی‌تابد. نتیجه پیمایش نیز حاکی از آن است که گروه‌های قومی این امر را درک کرده‌اند.

از آنجا که هویت‌گرایی شیعی یکی از مصادیق هویت‌گرایی فراملی و جهانی است، به منظور ارزیابی دقیق‌تر، افکار قومیت‌های مختلف حاضر در راهپیمایی اربعین درباره نسبت اهمیت هویت قومی به هویت شیعی با طرح یک پرسش مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه آن به میزان اثرگذاری تکثر قومیت‌ها و اهمیت هویتی آنها بر بساخته شدن هویت شیعی کمک می‌کند.

بر اساس داده‌های به‌دست آمده، هنگامی که متغیر «فضای متکثر قومیتی در جهت هویت‌گرایی شیعی» با استفاده از سؤالات استاندارد شده مورد توجه قرار گرفت، ۴/۲٪ موافق این بودند که اقوام بسیار زیاد زمینه‌ای را برای واگرایی هویتی در سطوح دیگر هویت‌گرایی از جمله هویت شیعی ایجاد می‌کنند، بر همین اساس ۱۲/۴٪ بر آن بودند که این اتفاق تا حد زیادی می‌افتد، ۱۹/۵٪ بر آن بودند که این اتفاق تا حد کمی می‌افتد و ۴۸/۵٪ معتقد بودند این اتفاق خیلی کم امکان‌پذیر است. در جایگاه تحلیلی، این آمارها را می‌توان بر اساس چند دلیل تشریح کرد، نخست اینکه مردم خاورمیانه از جنگ‌ها و ناآرامی‌های فراوان که بر اثر تعصبات قومی و نژادی رخ داده حس خستگی دارند و هویت‌گرایی را نقطه «آرامش بخش» و «امن» برای ادامه زیست و حیات در کنار همدیگر تلقی می‌کنند. دوم تأثیر فراملی بودن هویت شیعی و جذابیت آن به‌عنوان یکی از هویت‌های منطقه‌ای در عصر جهانی شدن بیشتر رخ‌نمایی می‌کند، به بیان بهتر گروه‌های قومی شیعی با داشتن این هویت فراقومی، در عصر ارتباطات، جایگاه مذهب به عنوان نیرویی فراموش شده را به تصویر می‌کشند. موضوع پایانی به فضای تعلق معنوی نسبت به ایماژها و نمادهای اربعین بر می‌گردد.

از طرفی دیگر این داده‌ها درک نهادین از وضعیت روابط نیروهای فراملی در منطقه غرب آسیا را نشان می‌دهد؛ گروه‌هایی که چه از نظر قومی و چه از نظر هویتی از شرق مدیترانه تا قفقاز و غرب و جنوب آسیا به‌صورت تاریخی کانون اقوام و زبان‌های قومی بوده است. حتی برخی کشورها مانند ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، گرجستان، آذربایجان و ترکیه، قوم کشور هستند یعنی دال مرکزی اتحاد داخلی‌شان قومیت و زبان قومی است. برخی اقوام در این منطقه نتوانسته‌اند بر تعصبات قومی خود فائق آیند و همواره دچار جنگ‌های طولانی بوده‌اند. برخی از کشورها نیز مانند افغانستان به علت وجود اقوام مختلف، هیچگاه دولت مرکزی قوی نداشته‌اند. عراق نیز، پس از سال‌های طولانی جنگ و درگیری، نتوانسته به ثبات برسد اما باز هم ساختار قبیله‌ای بر مناسبات این کشور حکمفرماست. اما ایران با وجود دارا بودن قومیت‌های مختلف، اتحاد داخلی‌اش پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بر مذهب استوار بوده است. این داده‌ها وضعیت بحرانی منطقه خاورمیانه را نمایان می‌کند؛ منطقه‌ای که همواره دچار آشوب و جنگ و درگیری بوده است.

نهادسازی و نقش مؤلفه‌های ملی

فضای ژئوکالچری ترکیبی از فرایندهای مکانی- فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران متنوع به‌عنوان خرده فرهنگ‌هاست. یکی از مصادیق فضای ژئوکالچری، جغرافیای فرهنگی شیعه است که در آن خرده هویت‌های مختلف اعم از ملیت‌های گوناگون حضور دارند. به‌طور معمول در فضاهای ژئوکالچری، یک عنصر هویتی به‌عنوان رهبری دیگر هویت‌ها می‌تواند نقش تعیین کننده برای تقویت هویت مشترک فرامرزی داشته باشد. برای ژئوکالچر شیعی نیز به نظر می‌رسد نقش ایران در قوام و دوام آن تاثیر بسزایی داشته است.

ساختار ژئوکالچر شیعه که شامل موزائیکی از نواحی فرهنگی کوچک و بزرگی در منطقه خاورمیانه است، محصول تعامل‌های مکانی - فضایی قدرت فرهنگی بازیگران منطقه است که در طول و به موازات یکدیگر حرکت می‌کنند. ملیت‌های مختلفی در منطقه حضور دارند که هرکدام تکمیل‌کننده هویت شیعی در فضای جغرافیای فرهنگی شیعه هستند. در این بخش که نهادهای ملی مورد بحث قرار گرفته است، به حوزه ملی با محوریت نقش ایران برای بازسازی و تحکیم هویت‌گرایی شیعی پرداخته می‌شود. جامعه آماری پژوهش نیز درباره این موضوع در قالب سه سؤال مورد پژوهش قرار گرفته است.

در خصوص اهمیت نقش و عنصر ملی‌گرایی به‌عنوان پیشران و محرکی برای هویت‌گرایی شیعی در راهپیمایی اربعین، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد ۵۴/۹٪ شرکت‌کنندگان معتقد هستند که حکومت محوری یا نهاد ملی، خیلی زیاد سبب بازسازی هویت‌گرایی شیعی شده است، ۳۰/۵٪ به اهمیت «زیاد» حکومت بر بازسازی هویت شیعی قائل بوده‌اند، ۹/۹٪ معتقد بوده‌اند این اهمیت متوسط است، ۲/۳٪ بر اهمیت کم آن تأکید داشته‌اند و ۱/۸٪ بر اهمیت بسیار کم آن اصرار داشته‌اند. اگرچه در بین بازیگران ملی، ایران و عراق بیشترین نقش و تأثیر را بر بازسازی هویت شیعی و تجلی یافتن آن در اربعین داشته‌اند، و هم از این رو نقش آنها را در ساختار ژئوکالچر منطقه، می‌توان مورد توجه قرار داد. این موضوع را در چارچوب اهمیت و جایگاه شیعیان در این دو کشور نیز می‌توان بررسی کرد. شرح اوضاع منطقه خاورمیانه و آمار شیعیان و وضع کنونی آنان در ملیت‌هایشان ضروری می‌نماید.

«هویت شیعی» بی‌تردید یکی از عناصر اصلی روابط ایران با کشورهای اسلامی بوده است (قاسمی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۵). با این حال، هویت شیعی در سایر کشورهایی که شیعیان در آنجا حضور دارند (حتی در کشورهایی که نقش اکثریت را دارند؛ همچون عراق، بحرین و جمهوری آذربایجان) نقش تعیین کننده‌ای در سیاست و روابط خارجی نداشته است. از این میان تنها در ایران، هم اکثریت جمعیت و هم قدرت و اقتدار در دست شیعیان می‌باشد. این موضوع در کنار اهمیت ژئوپلیتیک ایران با دارا بودن موقعیت جغرافیایی حساس در منطقه و جهان و اهمیت و نقش تاریخی که با توجه به پیشینه فرهنگی و تمدنی طولانی از آن برخوردار بوده است، سبب فزونی یافتن «نقش» و «نفوذ» ایران شده است.

وجود حکومت‌های قدرتمند در تاریخ ایران و لشکرکشی‌هایی که توسط این حکومت‌ها برای گسترش مرزهای جغرافیایی صورت گرفت، زمینه تسلط فرهنگ ایرانی در مناطق متصرف شده را فراهم ساخت. آثار سیطره فرهنگ ایرانی را می‌توان در زبان، تاریخ، ادبیات آیین‌ها و جشن‌های مردمان سرزمین‌های تصرف شده مشاهده نمود. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که گستره فرهنگی ایران از آسیای میانه تا قفقاز در شمال، پاکستان، افغانستان و چین در شرق، عراق، ترکیه و سوریه در غرب و منطقه خلیج فارس و شبه قاره هند را در جنوب دربرگیرد. این امر می‌تواند در زمان حاضر با توجه به تحولات جدید در عرصه بین‌الملل و اهمیت یافتن نقش فرهنگ در روابط میان کشورها و تعاملات با ملت‌ها، زمینه‌ساز دستیابی ایران به مرکزیت فرهنگی و تمدنی در حوزه ژئوکالچر خود باشد (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴).

با توجه به مشکلات زندگی شیعیان در کشورهای منطقه، محوریت فرهنگی ایران و ایفاء کردن نقش محوری در هویت‌گرایی شیعی با شرایطی خاص امکان‌پذیر می‌شود. نکته اول در این امر این است که هویت‌یابی شیعی فراملی بستگی به هویت‌یابی ملی در درون ایران دارد. هویت‌یابی ملی ایرانی اگر با روندی میهن‌دوستانه و نه افراطی ناسیونالیستی همراه شود می‌تواند شرایط را برای تغییر مرزهای درون گروهی و گسترش آن به فراسوی مرزها در قالب هویت شیعی فراملی مهیا کند. نکته دوم در این باره، احیای تصویری است که از ایران در اذهان منطقه ترسیم شده است. در سال‌های اخیر بر اثر تبلیغات، تصویری ناخوشایند از ایران در افکار عمومی منطقه نقش بسته است برای مثال مطابق تحقیق مؤسسه زاگی در سال ۲۰۱۳، از میان ۲۰ کشور عرب، اکثریت مردم در ۱۴ کشور ایران را نامطلوب خوانده‌اند و تنها در عراق، لبنان، لیبی و یمن اکثریت گفته‌اند که ایران برای پیشبرد صلح و ثبات در منطقه تلاش می‌کند با این وجود رابطه آشکار بین ایران و فعالیت‌های حق طلبانه شیعیان منطقه تردیدها و بدگمانی را برانگیخته است. ایران برای احیای این تصویر نامطلوب و ایفاء نقش تعیین کننده برای هویت‌گرایی شیعی، نیاز به اصلاح روابط بین خود و شیعیان جهان دارد (قاسمی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۸).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این خصوص بایستی به آن اشاره کرد، «بازسازی هویتی و هویت‌گرایی ایرانی» است. از نتایج داده‌های نظرسنجی صورت گرفته در راهپیمایی اربعین، ۸۲٪ از شرکت‌کنندگان قائل به تأکید بر محوریت حکومت بر روی الگوهای فرهنگی بوده‌اند و تنها ۱۴/۶٪ معتقد بودند حضور و تأکید بر عنصر دولتی و حکومتی برای هویت‌گرایی محل است.

علاوه بر این با توجه به این داده‌های به دست آمده، به نظر می‌رسد مردم ایران و کشورهای منطقه، از اختلافات حکومت‌ها و ناپایداری روابط آنها با یکدیگر احساس خوشایندی نداشته باشند که از جمله دلایل آن هم این است که این ملت‌ها سالهای طولانی را درگیر جنگ‌های داخلی و خارجی و مبارزه برای هویت‌های ملی و یا دینی و نژادی خود بوده‌اند. روی دیگر این موضوع را می‌توان در این موضوع ارزیابی کرد که از طرفی دیگر روند جهانی شدن اهمیت هویت‌های ملی را تا حدی کمرنگ کرده و هویت‌های فراملی اکنون برجسته‌تر شده‌اند. به گونه‌ای که جمعیت کشورها خصوصاً جوانان تمایل بیشتری به همراهی

با این روند دارند که این را می‌توان از علاقه آنها به جریان آزاد اطلاعات و فضای مجازی و همچنین حضور گسترده در فضاهای بین‌المللی که نمود پر رنگ آن راهپیمایی اربعین است مشاهده نمود. از دیگر نکات منتج از داده‌های حاصل از نظر سنجی مذکور این است که به سبب این که نمونه آماری پژوهش، پافشاری ایران به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر شیعی منطقه و تنها بازیگری که دارای وجه حاکمیتی در بستر هویت فراملی شیعی، است، محل امنیت و پایداری منطقه نمی‌دانند، حکومت ایران می‌تواند با رعایت اصول و نکاتی که برای ارتباط با شیعیان سایر کشورها ذکر شد، بر تصمیمات و اقدامات در جهت بازسازی هویت شیعی در منطقه مبادرت ورزد. اقدام اول در این زمینه اخذ پشتیبانی مردم و همراه کردن آنهاست که از این جهت در جامعه آماری ۸۲ درصد موافقت خود را با اقدامات هویت‌ساز ایران اعلام کرده‌اند. با این حال به سبب شکننده بودن فضای امنیتی منطقه و شرایط ناپایدار بر افکار و باورهای مردم منطقه، امکان تغییر نگرش وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد که تکثر فرهنگی و پذیرفتن تنوع فرهنگ‌ها و نگرش‌های هویت‌های خرد اعم از ملیت‌ها، قومیت‌ها، نژادها و عقاید گوناگونی که در منطقه وجود دارد، امکان کنترل شرایط برای رسیدن به وضع مطلوب را مهیا می‌سازد.

برخی پژوهش‌ها هویت ایرانی را شامل هویت ملی، هویت قومی، هویت مذهبی و هویت مدرن می‌دانند. در پژوهشی که توسط حاجیانی (۱۳۸۷) صورت گرفته، جمعیت نمونه که شهروندان ایرانی بوده‌اند، به تمامی ابعاد ۴ گانه هویت، تمایل جدی و قوی داشته‌اند و نسبت به همگی آنها متعهد بوده‌اند، اما از میان ابعاد هویت‌ها، هشت بعد شامل هویت جهانی، فرهنگ، اجتماع و سیاست ملی، فرهنگ و اجتماع قومی و فرهنگ و رفتار و هویت مذهبی نسبت به ابعاد هویت مدرن دارای میانگین بالاتر بوده‌اند. با توجه به آمار ارائه شده و بررسی برخی نظرات مهم در باب هویت جمعی ایرانیان، به نظر می‌رسد هویت در ایران امری ترکیبی باشد و ایرانیان به هویت ملی، قومی و مذهبی با درجه‌ای بالاتر متعهد هستند (حاجیانی، ۱۳۸۷). از این‌رو در سؤال مطرح شده از جامعه آماری راهپیمایان اربعین، به ضرورت تکیه بر یک هویت از میان تمام هویت‌ها - یعنی هویت شیعی - به‌عنوان هویت مادر در این ایران پرداخته و نتایج به‌دست آمده نشان دهنده این است که نزدیک به ۸۱٪ معتقد به اهمیت بیشتر هویت شیعی بر سایر ابعاد هویت ایرانی بوده‌اند.

نهادسازی و نقش مؤلفه‌های فراملی

اسلام‌گرایی در منطقه خاورمیانه متأثر از ریشه داشتن دین اسلام دارد؛ دینی که به مانند دیگر ادیان در درون خود بر اثر تقابلات درون گروهی، نوعی مرزبندی‌هایی دارد که باعث تشکیل شبکه‌های ژئوکالچری شده است. مذهب شیعه به‌عنوان یکی از مذاهب اصلی در دین اسلام در درون تمدن اسلامی، یک خرده شبکه ژئوکالچری را در تقابل با مذهب تسنن شکل داده است. این مذهب یکی از مهم‌ترین هویت‌های موجود در منطقه غرب آسیا است که نه تنها از لحاظ داخلی نسبت به هر یک از کشورهای منطقه با

گرایش‌های فروملی همراه است، بلکه یک هویت بسیط فراملی را شکل می‌دهد که به‌عنوان یک مؤلفه در دوران کنونی پیوند عمیقی با گفتمان اسلام‌گرایی دارد (سیفی، ۲۰۱۲: ۷۹-۶۵).

شبکه ژئوکالچری شیعه در سطح منطقه غرب آسیا همچون دیگر شبکه‌های ژئوکالچری در جهان، مولود ارتباطات فرهنگی در گستره این محدوده بوده است. عناصر این شبکه عبارتند از: دولت‌ها به‌عنوان سطح هویتی تعریف شده در سیستم جهانی، افراد و گروه‌ها به‌عنوان یکی از تجلی‌گاه‌های سطح‌های هویتی در داخل دولت‌ها و گروه‌های فراملی به‌عنوان سطح هویتی فراملی نوین (قاسمی، ۲۰۱۲: ۷۲-۷۳).

شیعیان از نظر جغرافیایی بیشتر در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس زندگی می‌کنند. به گفته بسیاری از منابع، این جمعیت، ۱۲ درصد کل مسلمانان را شامل می‌شوند و نسبت به دیگر گروه‌های مسلمان در اقلیت هستند (احمدی و حسینی نصرآبادی، ۲۰۱۶: ۲). اقلیت بودن این گروه و پراکندگی آنها در کشورهای مختلف، امر وحدت درون‌گروهی را مشکل کرده است. اما با روند جهانی شدن و تأثیر مستقیم آن بر منطقه، مفهوم فضا متحول شده و دیگر محدود به خرده‌گروه‌های فروملی و ملی نیست و با لوازم عصر جهانی شدن از جمله فن‌آوری اطلاعات، مرزهای هویتی در حال جابجا شدن و گسترده شدن هستند و گروه‌ها با پیوند خوردن به همدیگر به شبکه‌های فراملی که بازیگران متعددی همچون سازمان‌های غیر دولتی، دولت ملت‌ها، شرکت‌های چند ملیتی و جنبش‌های نوین اجتماعی (قهرمان‌پور، ۲۰۰۲: ۳۳۵) دارد، تبدیل می‌شوند.

به نظر می‌رسد که جمعیت راهپیمایان اربعین که تحت یک هویت واحد فراملی، یعنی هویت شیعی هر ساله این پدیده بزرگ را رقم می‌زنند، به‌عنوان یک جنبش نوین اجتماعی فراملی، رویکردی تازه از روابط فراملی شیعیان را شکل داده‌اند. چرا که این اجتماع، از طرفی بر روابط سیاسی و یا اقتصادی شکل نگرفته است و مبنایی کاملاً فرهنگی با روابط دوستانه و مسالمت آمیز دارد. از طرفی نیز به لحاظ تقدم، تا به حال چنین اتفاق فرهنگی‌ای در این سطح در میان گروه شیعیان سابقه نداشته است. از این‌رو از جامعه آماری پژوهش که از کشورهای مختلف حضور داشتند، ضرورت ائتلاف فرهنگی میان گروه‌های شیعی موجود در کشورها پرسیده شد تا از اهمیت ارتباطات فرهنگی در عصر جهانی شدن در قالب شبکه ژئوکالچری شیعه در اذهان مردم، ارزیابی به عمل آید.

نتایج حاصله بدین شرح است که در خصوص ضرورت پیوندهای بین‌المللی و ارتباطات بین‌المللی بین این گروه‌ها ۸۷/۷٪ معتقد به ضرورت پیوندهای فراملی بوده‌اند و تنها ۹/۶٪ معتقد بوده‌اند، ضرورتی به چنین پیوندهایی وجود ندارد. بر اساس این داده‌ها در وهله نخست به نظر می‌رسد تحولات عصر جهانی شدن در غرب آسیا همچون سایر نقاط جهان، موجب تغییر در نگرش به مسائل هویتی و کاهش تعلقات به هویت‌های خرد فروملی و ملی شده است. در دیگر سو اهمیت بعد جهانی شدن هویتی مورد توجه بوده است. بر اساس داده‌های به‌دست آمده گروه‌های حاضر در پیاده‌روی اربعین به‌صورت غیرمستقیم به ضرورت گسترش مرزهای هویتی از هویت قومی، نژادی و ملی به هویت بسیط شیعی تأکید کرده‌اند. از داده‌ها چنین برمی‌آید که عنصر مشترک مذهب، تا حدود زیادی، می‌تواند اذهان را به سمت وحدت

فرهنگی و به تبع آن، هویت‌گرایی شیعی هدایت کند. علاوه بر این ضرورت ارتباطات را می‌توان با پیوندهای سازمان‌های مردم نهاد یا غیردولتی، بیشتر مورد توجه قرار داد. در چنین فضایی گروه‌های سازمان یافته، در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند (فیروزآبادی، ۲۰۰۲: ۱۵۹).

تشکیل سازمان‌های مردم نهاد در سطح بین‌المللی شبکه ژئوکالچری شیعی و در جهت ارتباطات فرهنگی بین‌المللی، بدون دخالت دولت‌ها که بتوانند نقشی در راستای هم‌گرایی فراملی ایفاء کنند، از ضرورت‌های تقویت هویت‌گرایی شیعی به شمار می‌رود. از این‌رو در پرسشی دیگر و با تمرکز بر اهمیت سازمان‌های مردم نهاد فراملتی، و اهمیت هم‌گرایی فراملتی (جدای از مداخله دولت‌ها) و در چارچوب تحرکات NGO محور، نتایج زیر به دست آمده است: ۶۱٪ معتقد به نقش نهادهای فراملی در جهت تقویت هویت‌گرایی شیعی بوده‌اند و ۱۳/۶٪ قائل به کم رنگ بودن نهادهای فراملی بوده‌اند. در این فضا اندیشیدن به اتحادیه‌های فراملی و مبتنی بر سازمان‌های مردم نهاد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه هویت فراملی مد نظر هویت شیعی بوده است، این نتیجه طبق آموزه‌های دین اسلام و مذهب شیعه قابل بررسی است. زیرا حرکت‌های داوطلبانه مردمی از پیشینه طولانی برخوردار بوده‌اند و ارزش‌های اسلامی نیز ارج‌گذار فعالیت‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه است. نیک اندیشی و اعتقادهایی همچون وقف، خیرات و صدقات و تعریف مدون و فقهی آن در متون شریعت به وفور موجود است (کاویانی‌فر، ۲۰۰۳: ۷).

علاوه بر تأکید شریعت بر لزوم حرکت‌های خیرخواهانه، وجود پایگاه‌های معنوی این پدیده‌ها در خاطره و عملکرد تاریخی مردم موجب شده که گروه‌هایی برخاسته از مردم فعالیت‌های عام‌المنفعه را با اتکاء به منابع غنی انسانی و مالی از دیرباز تاکنون ادامه دهند. چنین فرهنگی خاستگاه اصلی فرهنگ مشارکت جویی است (کاویانی‌فر، ۲۰۰۳: ۷). اینک و در زمان معاصر نیز این گروه‌ها در شکلی گسترده‌تر به اشکال نوین مشارکت با ساختاری مردمی در قالب سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد تغییر شکل داده‌اند.

از جمله سازمان‌های مردم نهاد موفق در منطقه و جهان می‌توان به سازمان‌های کر، آکسفام^۱، فدراسیون سراسری ادبی و هنری چین، گرامین بانک^۲، مؤسسه محک و دست‌های مهربان^۳، نهاد مبارزه با حشره‌کش‌ها، نهادهای مبارزه با تغییرات اقلیمی و... اشاره کرد. علاوه بر این موردها، نمونه‌های بسیاری از این سازمان‌ها در منطقه و جهان برای کارهای عام‌المنفعه ایجاد شده‌اند. اما سازمان مردم نهاد فراملی‌ای که در جهت تقویت گروه شیعیان در منطقه باشد تاکنون به وجود نیامده است. گروه یا سازمان‌هایی با کارکردهای مختلف اعم از حقوقی، اجتماعی، بهداشتی، خیرخواهانه، امنیتی و... که در

۱. oxfam.org/en

۲. grameenbank.org

۳. dmngo.ir

جهت تقویت گروه هدف شیعه باشند، به دوام ژئوکالچر شیعه کمک خواهند کرد چرا که این گروه‌ها فارغ از دخالت دولت‌ها و امور سیاسی به فعالیت می‌پردازند و از این‌رو ارتباطات فرهنگی را اصل قرار داده و به این صورت مقوم هویت‌گرایی شیعی خواهند شد. در همین زمینه بیش از ۶۰ درصد از نمونه آماری پژوهش بر اهمیت عنصر فراملی سازی هویت‌گرایی اربعین توجه داشته‌اند و حدوداً ۴۰ درصد از نمونه آماری نیز در پاسخ به سؤال مذکور، اهمیتی کم برای این امر قائل بوده‌اند. این آمار نسبتاً بالا نشان می‌دهد هنوز جهانی شدن و لوازم آن برای گروه کثیری از شیعیان منطقه درک و اهمیت نیافته است. بی‌تمایلی نسبت به هم‌گرایی بین‌المللی در قالب گروه‌های فراملتی می‌تواند چند عامل داشته باشد. اول اینکه برخی شیعیان در مناطقی زندگی می‌کنند که از حداقل‌های زندگی محروم‌اند و هنوز به‌طور کامل به ارتباطات جهانی متصل نشده‌اند. آنها لزوم همگرایی را در وحدت جهان اسلام درک می‌کنند اما با لوازمات آن که گروه‌های فراملی و NGO ها هستند آشنایی ندارند و در مواقعی نیز اعتمادی به این گروه‌ها ندارند. دوم اینکه برخی از جمعیت شیعیان خصوصاً در عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان شاهد حضور گروه‌های فراملی خارجی بوده‌اند که نه تنها سودی برای آنها نداشته است بلکه در پیدایش گروه‌های تروریستی بسیاری هم در این کشورها مؤثر شده‌اند. از این‌رو اعتماد شیعیان این مناطق به گروه‌های فراملی کم‌رنگ شده است. بازسازی باور و اعتماد این گروه از شیعیان نیاز به ارتباطات فرهنگی بیشتر و رعایت اصل تکثرگرایی و چند فرهنگ‌گرایی در گروه‌های احتمالی هست که در آینده برای تقویت فرهنگ شیعی ایجاد خواهند شد.

تشکیل گروه‌های فراملی شیعی نیازمند حضور جنبشی مردم از کشورها و ملیت‌های مختلف با خرده فرهنگ‌های متنوع و فعالیت‌های داوطلبانه از سوی آنها دارد. با توجه به اینکه هویت‌های خرد بسیاری در میان جمعیت شیعیان وجود دارد، لازم بود تا نظر آنان در خصوص عضویت‌شان در چنین گروه‌هایی سنجیده شود تا مشخص شود که این گروه هویتی بزرگ تا چه اندازه به کنش‌مندی خود در جهت تقویت هویت شیعی اندیشیده‌اند و حاضرند در حوزه عمل نیز در این زمینه به فعالیت بپردازند.

بدین سبب همان طور که از نتایج پیمایش به دست آمده است بیش از ۷۰٪ بر آنند که ضرورت نیل به همگرایی و وحدت با ایجاد پیوندهای فراملی موضوعی مهم محسوب می‌شود، و تنها ۸/۹٪ معتقد بوده‌اند نیاز به چنین تحرکات پیوندی در سطح فراملی وجود ندارد. طبیعی است که این شاخص و پرسش از جمعیت حاضر در پیاده‌روی اربعین پرسیده شده است و طبیعتاً جمعیتی است که به واسطه حضور کنش‌گرانه خود درصد بالایی از پاسخ همگرایانه را متأثر از فضای حاکم ترتیب داده است. از دیگر سو افراد حاضر در مراسم پیاده‌روی اربعین، شامل زنان و مردان با تابعیت‌های مختلف و قومیت‌های متنوع و با گروه‌های سنی کودک، نوجوان، جوان و پیر، از قشرهای مختلف کارمند، کارگر، فقیر، ثروتمند و با تحصیلات کم تا دکتری حضور دارند و همگی آنها به این نظرسنجی پاسخ داده‌اند و نتیجه آن حدود هفتاد درصد ابراز تمایل بوده است.

فضای پیاده‌روی اربعین، این فرصت را فراهم کرده تا مسلمانان و به ویژه شیعیان خود را در گستره‌ی نامحدودی از جهانی شدن فرهنگ مختص به خود احساس کنند و این امر مقدمه‌ای بر تشکیل یک جغرافیای فرهنگی با محوریت هویت شیعی شده است. همانطور که از نتایج سه پرسش در حوزه فراملی‌گرایی پیداست، شیعیان حاضر در راهپیمایی اربعین، تأثیر هم‌گرایی بین‌المللی شیعی را بر تقویت همبستگی با محوریت هویت فراملی شیعی مهم قلمداد کرده‌اند و نتیجه غیر مستقیم برآمده از آن، لزوم ملی‌زدایی در راستای تقویت هویت‌گرایی شیعی با احترام به اصل تنوع فرهنگی است.

نتیجه‌گیری

پدیده راهپیمایی اربعین، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که تعداد کثیری از کنش‌گران را با هدف خاص گرد هم آورده و به وسیله الگوهای رفتاری ناشی از فرهنگ شیعی، نظمی هدفمند را تعیین بخشیده است. از آنجا که نهادها طیف گسترده‌ای از هنجارها تا سازمان‌های حکومتی را دربرمی‌گیرند، در نهاد اجتماعی اربعین نیز گروه‌های مختلفی در ابعاد خرد و کلان شرکت داشته‌اند که وفاق آنها ذیل این نهاد بزرگ، سبب تأثیرگذاری مستقیم آن بر قوام ژئوکالچر شیعه شده‌اند. در سطح فروملی، طبق تحلیل‌های آماری از پرسش‌های صورت گرفته از شرکت‌کنندگان، مشخص شد که نظر اکثریت آنان بر عدم تأثیر تکثر هویت‌های خرد در قالب نهاد فروملی، بر هویت‌گرایی شیعی است. همچنین شرکت‌کنندگان، در درجه‌بندی هویت‌ها، هویت شیعی را در اولویت قرار داده‌اند، هویت قومی و هویت ملی نیز در درجه‌های بعدی اهمیت قرار داشته‌اند که این نشان از کمرنگ شدن نگرش‌های متعصبانه قومی و نژادی و ترک برداشتن تصور دولتی در میان این گروه‌های اجتماعی بوده است. به این ترتیب اکثر شرکت‌کنندگان، هویت‌های متکثر قومی، زبانی، نژادی را مانعی برای تشکیل ژئوکالچر شیعه نمی‌دانند. با بررسی امر نهادسازی پدیده راهپیمایی اربعین نتیجه بدست آمده این است که نهادسازی‌ای که در مراسم بزرگ پیاده‌روی اربعین صورت گرفته است به علت اینکه در سه سطح فروملی، ملی و فراملی به وقوع پیوسته است، دارای جامعیت کافی برای قوام ژئوکالچر شیعه بوده است و به این ترتیب تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری آن داشته است. برای حفظ و دوام وفاق و هویت‌گرایی به وجود آمده در این نهاد نیز لازم است که آگاهی در زمینه فعالیت‌های بین‌ملتی در میان گروه شیعیان افزایش یابد و گروه‌های بین‌ملتی مستقل از دولت‌ها ایجاد و تقویت گردد.

References

- Akhavan Kazemi, Masoud; Azizi, Parvaneh (2010). "Iranian geoculture in the Indian subcontinent, the geographical extent of Iran's cultural and civilizational influence", National studies, Vol. 11, No 43: 73-100. (In Persian)

- Alibaei, Yahya (1999). "Is religion a social institution?", *Sociological studies*, Vol. 13, No 13: 109-128. (In Persian)
- Baratalipoor, Mahdi (2014). "The ethics of participation in non-governmental organizations (case study; mobilizing the oppressed of the Islamic Revolution)", *Basij strategic studies*, Vol. 17, No 65: 92-113. (In Persian)
- Definition of non-governmental organizations. (2018, October, 19), Retrieved from: <https://social.mazums.ac.ir/page-NEjtemaeiMain/fa/31/form/pId57030> (In Persian)
- Dehshiri, Mohammadreza (2013). "Paradiplomacy in the Age of Globalization: A Case Study of Urban Diplomacy", *Strategic studies of public policy making*, Vol. 4, No 13: 34-35. (In Persian)
- Fearoozabadi, SayedAhmad; Jafari, Mohsen (2002), "Studying the capabilities of religious-oriented indigenous non-governmental organizations in solving the challenges facing rural community-oriented development "Study case: Jihadi group of Talab Abbad", *Studies of Iranian Islamic development model*, Vol. 4, No 7: 153-173. (In Persian)
- Ghahramanpoor, Rahman (2002). "Globalization and the problem of identity in the Middle East", *Foreign policy*, No 2: 331-352. (In Persian)
- Ghasemi, Farhad (2012). "Globalization and regional security models in the world system", *Geopolitics Quarterly*, Vol. 8, No 3: 60-90. (In Persian)
- Ghasemi, MohammadAli (2015). "Shiite identity and Iran's relations with Islamic countries", *National Security Observatory*, No 46: 45-50. (In Persian)
- Hajiani, Ebrahim (2008). "Investigating sources of Iranian identity", PhD Thesis, Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Hashemian, SayedAli; Esmaili, Reza; Hashemi, SayedZia; Jalali, Mina (2012). "Analysis of national attachment", *Social studies and research in Iran*, Vol. 1, No 3: 179-203. (In Persian)
- Hoseinizadeh, Sayed Mohammad Ali (2012). "From institutionalism to discourse: an introduction to the application of institutionalism theories in political science", *political science*, Vol. 15, No 60: 83-109. (In Persian)
- Kavianifar, Vali (2003). "What is an NGO?", *Correction and Rehabilitation*, No 19: 7-10. (In Persian)
- Kazemi, Hojjat (2013). "Institutionalism as a model for political analysis", *Theoretical policy research*, Vol. 7, No 13: 1-27. (In Persian)
- Khodaverdi, Hassan (2019). "The position and role of non-governmental organizations in the development of human security", *World politics*, Vol. 7, No 26: 41-47. (In Persian)
- Mohammadi, Sayed Biok (1989). "Sociology of social movements", *Social science letter*, No 2: 171-190. (In Persian)
- Naadianpoor, a (2019, October,2), "Institutionalization against charismaization", Retrieved from: <https://engare.net/institution-vs-charisma/> (In Persian)
- Rahmati, Reza; Jafari, sayedeh Kosar; Rahimi, Hassan (2020). "The impact of Shiite geoculture on the regional order of the study and the case study community: Arbaeen march", *Islamic Revolution research journal*, vol. 10, No 37: 1-23. (In Persian)
- Sajjadpoor, Mohammad Kazem (2012). *Foreign policy and turbulent world*, Tehran, Information. (In Persian)

-
- Seyfi, Yousof (2012). "The geoculture of Shia Islamism in the Middle East and its impact on the deterrence of the Islamic Republic of Iran", Security horizons, Vol. 5, No 17: 63-94. (In Persian)
 - Social organizations (2004, october), Retrieved from: http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara_index.php?page=&SSOReturnPage=Check&Rand=0. (In Persian)
 - Warren, Roland Leslie; Rousek, Joseph Slabey (1990). An introduction to sociology, Translated by Behrouz Nabavi, Tehran: Farvardin. (In Persian)